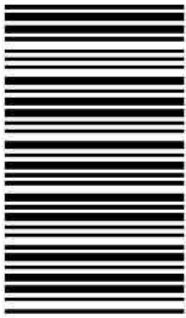


کد کنترل

122

E



122E

دفترچه شماره (1)

صبح جمعه

۹۸/۱۲/۹



جمهوری اسلامی ایران
وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
سازمان سنجش آموزش کشور

«اگر دانشگاه اصلاح شود مملکت اصلاح می‌شود.»
امام خمینی (ره)

آزمون ورودی دوره دکتری (نیمه‌متمرکز) - سال ۱۳۹۹

رشته فقه شافعی - کد (۲۱۳۴)

مدت پاسخ‌گویی: ۱۲۰ دقیقه

تعداد سؤال: ۹۰

عنوان مواد امتحانی، تعداد و شماره سؤالات

ردیف	مواد امتحانی	تعداد سؤال	از شماره	تا شماره
۱	مجموعه دروس تخصصی: زبان عربی - فقه - اصول	۹۰	۱	۹۰

این آزمون نمره منفی دارد.

استفاده از ماشین حساب مجاز نیست.

حق چاپ، تکثیر و انتشار سؤالات به هر روش (الکترونیکی و...) پس از برگزاری آزمون، برای تمامی اشخاص حقیقی و حقوقی تنها با مجوز این سازمان مجاز می‌باشد و یا متخلفین برابر مقررات رفتار می‌شود.

۱۳۹۹

* داوطلب گرامی، عدم درج مشخصات و امضا در مندرجات جدول ذیل، به منزله عدم حضور شما در جلسه آزمون است.

اینجانب با شماره داوطلبی با آگاهی کامل، یکسان بودن شماره صندلی خود را با شماره داوطلبی مندرج در بالای کارت ورود به جلسه، بالای پاسخ نامه و دفترچه سؤالات، نوع و کد کنترل درج شده بر روی دفترچه سؤالات و پائین پاسخ نامه ام را تأیید می نمایم.

امضا:

■ ■ عَيْنِ الْأَصْحٰ وَ الْأَدَقِّ فِي الْجَوَابِ لِلتَّرْجِمَةِ أَوْ التَّعْرِيبِ أَوْ الْمَفْهُومِ (۱-۱۰)

۱- عَيْنِ الْخَطَا فِي الْمَفْهُومِ:

- ۱) ﴿ هَلْ لَنَا مِنْ شَفَعَاءٍ فَيُشْفِعُوا لَنَا ﴾: آیا برای ما شفیعیانی هستند تا ما را شفاعت کنند!
 - ۲) ﴿ لَا تَطْغَوْا فِيهِ فَيَحِلَّ عَلَيْكُمْ غَضَبِي ﴾: در آن از حد و اندازه مگذرید که غضب من بر شما فرود آید!
 - ۳) ﴿ لَوْلَا أَخَّرْتَنِي ... فَأَصْدَقَ وَ أَكْنَ مِنَ الصَّالِحِينَ ﴾: چرا آجل مرا به تأخیر نینداختی ... تا صدقه دهم و از صالحان باشم!
 - ۴) ﴿ لَمَّا يَعْلَمِ اللَّهُ الَّذِينَ جَاهَدُوا مِنْكُمْ وَ يَعْلَمُ الصَّابِرِينَ ﴾: خداوند هنوز کسانی را که از شما جهاد کردند و صبر پیشه نمودند، مشخص نکرده است!
- ۲- « وَيَحْكُ! إِنَّ لِكُلِّ أَجَلٍ وَقْتًا لَا يَعْدُوهُ، وَ سَبَبًا لَا يَتَجَاوَزُهُ، فَلَا تَعْدُ نَمَثَلُ هَذِهِ الْكَلِمَاتِ، فَإِنَّمَا نَفَثَ الشَّيْطَانُ عَلَي لِسَانِكَ! ». عَيْنِ الصَّحِيحِ: وای بر تو!

- ۱) هر اجلی را زمانی است که از آن پیش نمی افتد، و سببی است که از آن در نمی گذرد، پس به چنین سخنانی باز نگردد، که آن فقط شیطان بود که بر زبانت دمید!
- ۲) هر سر رسیدی را اجلی است معین که از آن نمی گذرد، و سببی دارد که از آن تجاوز نمی کند، پس چنین کلماتی دیگر باز نگردد، چه آن دمیدن شیطان می باشد بر زبان تو!
- ۳) هر مهلتی را زمانی است معین که از آن نمی گذرد، و علتی است که از آن عبور نمی کند، پس دیگر این چنین سخن مگو، که این شیطان بود که چنین حرفی را بر زبانت جاری ساخت!
- ۴) هر زمانی را مهلتی است که از آن تجاوز نمی کند، و علتی است که از آن در نمی گذرد، پس بار دیگر به مثل این کلمات باز نگردد، زیرا تنها شیطان است که بر زبانت دمیده است!

۳- « أَنَا لَا أَحِبُّ أَنْ أُخْدَعَ نَفْسِي عَنْ نَفْسِي، كَمَا لَا أَحِبُّ أَنْ أُخْدَعَ النَّاسُ عَنْهَا! ». عَيْنِ الصَّحِيحِ فِي الْمَفْهُومِ:

- ۱) من دوست ندارم درباره نفس خویش خودم را فریب دهم، همچنانکه دوست ندارم مردم را گمراه کنم!
- ۲) من دوست ندارم خودم به خودم دروغ بگویم، چنانکه دوست ندارم دیگران را درباره خود گمراه کنم!
- ۳) من تمایلی ندارم از خودم به خودم نیرنگ بزنم، همانطور که دوست ندارم دیگران را فریب دهم!
- ۴) من میل ندارم به خودم دروغ بگویم، چنانکه دوست ندارم دیگران درباره آن دروغ بگویند!

۴- « و من لا یغضض عینه عن صدیقه و عن بعض ما فیه، یمت و هو عاتباً! »:

- ۱) هر آنکس که از دوست خود و از برخی عیوبی که در اوست چشم‌پوشی نکند، در حال سرزنش کردن می‌میرد!
- ۲) هر کس چشمان خود را بر عیب‌هایی که در بعضی دوستان وی است نبندد، در حال عتاب از دنیا می‌رود!
- ۳) آنکه بخاطر دوست خویش از بعضی عیوبی که در اوست اغماض نکند، در حالی می‌میرد که سرزنش کننده است!
- ۴) هر که چشم خویش را از عیب‌هایی که در دوست خود می‌بیند اغماض نکند، در حالی از دنیا می‌رود که عتاب کننده است.

۵- « و لو رأتی فی نار مسعرة ثم استطاعت، لذات فوقها خطباً! »:

- ۱) اگرچه مرا در حال سوختن در آتش ببیند، توانایی دارد هیزم آن را اضافه کند!
- ۲) هرگاه مرا افروخته در آتشی ببیند، سپس اگر بتواند هیزم بر آن می‌گذارد!
- ۳) چنانچه مرا در آتش سوزان ببیند، می‌تواند هیزم آن را افزون سازد!
- ۴) اگر مرا در آتشی افروخته ببیند و بتواند، هیزم بر آن می‌افزاید!

۶- « و وضع الندی فی موضع السیف بالعلی مضر، کوضع السیف فی موضع الندی! ». عین غیرالمناسب لمفهوم البیت:

- | | |
|-----------------------------------|-----------------------------------|
| ۱) گرچه احسان نکوست از کم و بیش | ظلم باشد به غیر موضع خویش! |
| ۲) نیکی ار در محل خود نبود | ظلم خوانندش ار چه بد نبود! |
| ۳) نیکی کنی بجای تو نیکی کنند باز | ور بد کنی بجای تو از بد بتر کنند! |
| ۴) نکوئی با بدان کردن چنان است | که بد کردن بجای نیک مردان! |

۷- « من یزرع الشوک لا یحصد به العنبا! ». عین الأكثر مناسبة (معنی و لفظاً):

- ۱) از نی بویا شکر نخوری!
- ۲) بدی را بد بود آخر مکافات!
- ۳) ز زمین شوره سنبل برنیاید!
- ۴) خرما نتوان خورد از این خار که کشتیم!

۸- « چگونه می‌توان با چیزی که در وجودش نیازمند تو است، بر تو استدلال کرد! »:

- ۱) کیف الاستدلال بوجودك بما مفتقر إلی وجودك!
- ۲) کیف یستدل علیك بما هو فی وجوده مفتقر إلیك!
- ۳) کیف یمكن الاستدلال عنك بواسطة التی محتاج إلیك!
- ۴) کیف نستطیع أن نستدل بوجودك بمن هو محتاج إلی وجودك!

۹- «مسأله اسلام در بینش معتقدانش، از رهبری گرفته تا رهروی، مسأله دعوتی است زنده و پویا در همه سطوح!»:

(۱) في معتقد المؤمنین بالإسلام، إنه مسألة الدعوة الحية النشيطة على سطح القاعدة حتى القيادة و على جميع الأصعدة!

(۲) في وعي المؤمنین بالإسلام، إنه مسألة الدعوة الحية النشيطة على سطح الزعيم حتى القاعدة و على جميع السطوح!

(۳) إن مسألة الإسلام في معتقد المعتقدين به و على سطح الزعامة حتى التبعية، إنها مسألة دعوة نشطة و حية على جميع السطوح!

(۴) إن مسألة الإسلام في وعي المؤمنین به على مستوى القيادة حتى القاعدة، هي مسألة دعوة نشطة و متحركة في كل صعيد!

۱۰- «نفوذ و توسعه دانش و فرهنگ اسلامی در اروپا، یکی از عوامل اصلی ظهور رنسانس در قرن ۱۵ بوده است!»:

(۱) كان نفوذ و انتشار العلم و الثقافة الإسلامية في أوروبا أحد العوامل الرئيسية لحدوث النهضة العلمية في القرن الخامس عشر!

(۲) إن نفوذ و توسيع العلم و الثقافة الإسلامية في بلاد أوروبا كان من العوامل الأصلية لبروز النهضة الثقافية في قرن الخامس عشر!

(۳) كان لنفوذ و توسعه العلوم و الثقافات الإسلامية في أوروبا العامل الرئيسي لإيجاد الانبعاث الثقافي في القرن الخامس عشر!

(۴) إن النفوذ و النشر للعلم و الثقافة الإسلامية في أوروبا هو العامل الأصلي في حصول الانبعاث الثقافي في قرن الخامس عشر!

■ ■ عین المناسب للجواب عن التشكيل (۱۱-۱۳)

۱۱- «كم الساعة الآن و كم دقيقة انتظرتني؟ الساعة الآن الثانية إلا خمس دقائق!». عین الخطأ:

(۱) الساعة . الآن . انتظرت . خمس . دقائق

(۲) كم . الساعة . دقيقة . انتظرت . الثانية

(۳) كم . دقيقة . انتظرت . الساعة . خمس

(۴) دقيقة . الآن . انتظرت . الثانية . خمس

۱۲- عین الصحیح:

- ۱) إخْفِضْ لَهُمْ جَنَاحَكَ وَأَلِنْ جَانِبَكَ وَأَبْسِطْ لَهُمْ وَجْهَكَ،
- ۲) و أَسِ بَيْنَهُمْ فِي اللَّحْظَةِ وَالنَّظَرَةِ، حَتَّى لَا يَطْمَعِ الْعُظْمَاءُ فِي حَيْفِكَ لَهُمْ،
- ۳) و لَا تَيَاسُ الضُّعَفَاءُ مِنْ عَدْلِكَ عَلَيْهِمْ، فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يُسَائِلُكُمْ مَعَشَرَ عِبَادَةٍ،
- ۴) عَنِ الصَّغِيرَةِ مِنْ أَعْمَالِكُمْ وَالْكَبِيرَةِ، وَالظَّاهِرَةِ وَالْمُسْتَوْرَةِ، فَإِنْ يُعَذَّبْ فَأَنْتُمْ أَظْلَمُ!

۱۳- عین الخطأ:

- ۱) يُقَالُ إِنَّ الْمُرَادَ بِهَذِهِ الْآيَةِ تَضْمِينُ الْإِسْتِعَانَةِ،
- ۲) وَ مَنْ تَرَكَ هَذِهِ الْآيَةَ فِي صَلَاتِهِ بَطَلَتِ الصَّلَاةُ،
- ۳) سِوَاءَ كَانَتْ قَرْضًا أَوْ نَفْلًا، كَمَا يَجِبُ الْجَهْرُ بِهَا وَ لَا يَجُوزُ الْخَفْتُ،
- ۴) إِلَّا أَنْ جَمِيعَ هَذِهِ الْمَسَائِلِ خِلَافٌ فِيهَا بَيْنَ الْفُقَهَاءِ!

■ ■ عین الصحیح عن الإعراب و التحليل الصرفي (۱۴-۱۸)

۱۴- ﴿ فَكَيْفَ تَتَّقُونَ، إِنْ كَفَرْتُمْ، يَوْمًا يَجْعَلُ الْوِلْدَانَ شِيبًا ۗ ۱۸﴾. عین الصحیح:

- ۱) یوماً: مفعول به لفعل «تتقون» و منعت لجملة «يجعل...» و الرابط محذوف، تقديره «يجعل فيه...»
- ۲) الولدان: اسم متنى مذكر، و فاعل لفعل «يجعل» و مرفوع بالالف، و «شيباً» مفعول به و منصوب
- ۳) شيباً: جمع «أشيب» و صفة مشبهة و لا مؤنث له على وزن فعلاء، و نعت و منصوب بالتبعية
- ۴) تتقون: فعل مضارع من باب تفعّل، لفيف مفروق و له إبدال الواو إلى التاء ثم إدغام التاءين

۱۵- « إذا أنت رميت بعداوة فلا تياسن! ». عین الصحیح:

- ۱) تياسن: فعل مضارع مجرد ثلاثي، و مبني على الفتح لوجود تون التوكيد الثقيلة و مجزوم محلاً بحرف «لا» الناهية و فاعله ضمير النون البارز
- ۲) أنت: ضمير منفصل مرفوع و نائب الفاعل و في محل رفع، و هو مبذل من ضمير التاء المتصل، و الجملة فعلية و في محل جرّ، مضاف إليه
- ۳) رميت: فعل ماضٍ مبني للمجهول أو مبني للمفعول، و نائب فاعله ضمير التاء البارز، و الجملة فعلية و خبر و في محل رفع
- ۴) إذا: اسم غير متصرف من أدوات الشرط الجازمة، و ظرف غير متصرف أو مفعول فيه للزمان، متعلقه فعل «رميت»

۱۶- « لو أنهم كانوا يلاقون مثل ما تلاقى، لكانوا في المضاجع مثلنا! ». عین الصحیح:

- ۱) يلاقون، تلاقى: مضارع من باب مفاعلة، معتل و لفيف مفروق، إعلاله بالحذف
- ۲) كانوا: اسمه ضمير الواو؛ خبره (الاولى): يلاقون؛ (الثانية): في المضاجع
- ۳) المضاجع: منتهى الجموع و ممنوع من الصرف، و منعت للنعت «مثلنا»
- ۴) مثل: الاولى: مفعول به و منصوب؛ الثانية: خبر «كان» المفرد و منصوب

- ۱۷- « أعزز بنا و أكف، إن دُعينا يوماً إلى نصره من يلينا! ». عَيْن الخطأ:
- (۱) أكف: فعل جامد لإنشاء التَّعجب على وزن الأمر، مبني على حذف حرف العلة، فاعله الضمير المستتر فيه وجوباً تقديره « أنت »
- (۲) أعزز: فعل جامد لإنشاء التَّعجب على وزن الأمر، مضاعف و ممتنع الإدغام، فاعله ضمير « نا » المجرور في اللفظ بالباء الزائدة، و الجملة فعلية
- (۳) يلي: فعل مرفوع بضمّة مقدّرة و فاعله الضمير المستتر فيه جوازاً تقديره « هو » و الجملة فعلية و صلة للموصول « من » و عائدها الضمير المستتر
- (۴) دعينا: فعل ماضٍ مجرد ثلاثي و مبني للمجهول أو للمفعول، معتل و ناقص و إعلاله بالقلب، نائب فاعله ضمير « نا » البارز، و الجملة فعلية و شرطية
- ۱۸- « و لم أرَ كالمعروف، أمّا مذاقه فحلّو، و أمّا وجهه فجميل! ». عَيْن الخطأ:
- (۱) أمّا: حرف شرط و تفصيل، مذاق: مصدر ميمي و مبتدأ و مرفوع و خبره المفرد « حلّو » و اقترانه بالفاء واجب
- (۲) كالمعروف: الكاف اسم بمعنى « مثل » مفعول به و منصوب محلاً لفعل « أر »، المعروف: اسم مفعول و مضاف إليه و مجرور
- (۳) أر: مضارع من مزيد ثلاثي (باب إفعال)، معتل و ناقص، و له إعلال حذف الهمة وجوباً، مجزوم بحذف حرف العلة
- (۴) لم أر: « لم » حرف نفي و نقل، « أر »: للمتكلم وحده من فعل مجرّد ثلاثي، فاعله الضمير المستتر فيه وجوباً تقديره « أنا » و الجملة فعلية

■ ■ عَيْن المناسب للجواب عن الأسئلة التالية (۱۹-۳۰)

- ۱۹- عَيْن الصحيح للفراغ: إنَّ المصدر «إتّمار» مأخوذ من مادة.....
- (۱) « يمر » و لا غير
- (۲) « يمر » أو « متر »
- (۳) « أمر » و لا غير
- (۴) « أمر » أو « ومر »
- ۲۰- « عُدّاء - أرّاء - عُدّاء - مبرّاء ». عَيْن الصحيح في الأوزان:
- (۱) فُعلة . فَعلاء . فَعلاء . مِفعلة
- (۲) فُعلة . أفعال . فَعَال . مِفعلة
- (۳) فُعال . فَعلاء . فَعلاء . مِفعال
- (۴) فُعال . أفعال . فَعَال . مِفعال
- ۲۱- عَيْن ما كَلِه ممنوع من الصرف:
- (۱) طوس . حضر موت . أرمل
- (۲) بلخ . ليالٍ . حمزة
- (۳) شوش . ثلاث . تلفزيون
- (۴) هند . جوعى . مناذرة

۲۲- عین الصحیح فی التصغیر:

- (۱) میعاد ← مبیعد / شاعر ← شویر
(۲) موقظ ← مویقظ / موعد ← موعید
(۳) أرض ← أریضة / أحلی ← أحلی
(۴) شمس ← شمسة / مریم ← مریم

۲۳- ﴿لولا أن من الله علينا﴾. عین الصحیح فی نوع «أن»:

- (۱) موصول حرفی
(۲) زائدة للتأکید
(۳) مخففة من الثقيلة
(۴) مفسرة لما قبلها

۲۴- عین «کم» لایمکن أن تكون استفهامیة:

- (۱) کم إجابة أجبیت حتى الآن!
(۲) کم ساع بینکم فی الصف!
(۳) کم بشری أبشرتهم بها!
(۴) کم طالعت من کتب مفیدة!

۲۵- عین الخطأ فی جواب الشرط:

- (۱) إن قمت بهذا المسعى المحمود فوالله تلج الألسنة بذكرك!
(۲) إن تخلص لله العمل والله يضاعف لك الأجر أضعافاً!
(۳) الكتاب والله إن تطالعه فهو خير جليس!
(۴) والله إن إنقيتم لیجعلن الله لكم مخرجاً!

۲۶- عین الخطأ (فی باب العدد):

- (۱) متى تُعيد لي ألف التومان الذي أسلفته إياك من قبل؟
(۲) متى تُعيدین لي الاثنی عشر کتاباً الذي أعرتها إياك؟
(۳) إني لم أطلع حتى الآن الإحدى والعشرين مقالة التي استعرتها من المكتبة!
(۴) إني لم أطلع الكتب الثلاثة و الخمس مقالات التي استعرتها من المكتبة حتى الآن!

۲۷- عین الواو لا تكون إلا معیة:

- (۱) كل طالب و جهده متلازمان في العمل!
(۲) إن الله يرزقنا و إياكم لو كنا كادحين!
(۳) نجحت و اثنتین من زميلاتي في الامتحان!
(۴) بعد غياب الشمس طلع النجم و القمر في السماء!

۲۸- عین الخطأ (فی باب الاختصاص):

- (۱) علیکم معشر الطلبة نعمت!
(۲) علی أيها البطل یعول فی القتال!
(۳) علیهم الأبطال تعتمد الأمة!
(۴) بنا رجال الغد تتعلق آمال الأمة!

۲۹- عین الخطأ (فی باب التنازع):

- (۱) اجتهدت و أكرمتها الطالبان!
(۲) قامت و قعدن المؤمنات في الصلاة!
(۳) أيدناهم و أيدنا المواطنين!
(۴) جاهدوا و انتصر المسلمون في طريق الحق!

- ۳۰- عَيْنِ الْخَطَا لِلْفِرَاقِ: « سيفوز طلبية الصف بجوائز و لا سيما ... منهم! »
- (۱) المجدُّ (۲) المجدُّ (۳) المجدُّون (۴) المجدِّين
- ۳۱- مسافری آب در اختیار ندارد و می خواهد نماز ظهر و عصر را به صورت جمع تقدیم بخواند حکم چنین شخصی چیست؟
- (۱) نمی تواند جمع کند چون ممکن است تا وقت نماز بعدی، آب، یافت شود.
 (۲) هر دو نماز را باید با یک تیمم بخواند زیرا در صورت تیمم مجدد، بین دو نماز، فاصله ایجاد می شود.
 (۳) می تواند هر دو نماز را با یک تیمم بخواند چون در حالت جمع، هر دو نماز، در حکم نماز واحد هستند.
 (۴) باید برای هر کدام از نمازها یک تیمم به جای آورد چون با هر تیمم فقط یک نماز فرض می شود خواند.
- ۳۲- شخصی نیت خواندن نماز نافله کرده و تکبیرة الاحرام گفته است، کدام گزینه در مورد تغییر نیت او در حین نماز صحیح است؟
- (۱) فقط می تواند نیت افزایش تعداد رکعات بنماید.
 (۲) فقط مجاز به نیت کاهش تعداد رکعات نماز است.
 (۳) می تواند نیت کند تعداد رکعات نماز را کم یا زیاد کند.
 (۴) تغییر نیت تعداد رکعات در حین نماز، مطلقاً مبطل است.
- ۳۳- یکی از شروط وجوب زکات، «ملکیت تام» است، منظور از ملکیت تام در این باب، چیست؟
- (۱) ملکیت آن همانند ملکیت مال به سرقت رفته و یا گم شده و امثال آنها، ضعیف نباشد.
 (۲) ملکیت آن مال از طریق اسباب منجزی مانند ارث منتقل شده باشد.
 (۳) در ملکیت آن مال، کسی با مالک، شریک نباشد.
 (۴) ملکیت بر اعیان باشد نه بر منافع.
- ۳۴- اگر دائن، طلب خود از شخص مدیون فقیر را به عنوان زکات محسوب کند، حکم ادای زکات او کدام است؟
- (۱) در هر صورت، به شرط عدم بازپس گیری از مدیون، ادای زکات محسوب می شود.
 (۲) در صورت بازپس گرفتن دین و تحویل دوباره آن به مدیون، ادای زکات محسوب می شود.
 (۳) تنها در صورت بازپس گرفتن دین و تحویل آن به فقیر دیگر، ادای زکات محسوب می شود.
 (۴) در صورت پس نگرفتن دین به شرط اطلاع مدیون از قرار گرفتن بدهی به عنوان زکات، زکات محسوب می شود.
- ۳۵- حکم روزه کسی که به گمان عدم طلوع فجر سحری بخورد یا کسی که به گمان غروب خورشید افطار کند و خلاف آن ثابت شود، کدام است؟
- (۱) روزه فرد اول باطل بوده و باید قضا کند ولی روزه فرد دوم مجزی است.
 (۲) هر دو می توانند روزه آن روز را افطار کرده و یک روز دیگر قضا کنند.
 (۳) هر دو باید آن روز امساک کرده و یک روز دیگر قضا کنند.
 (۴) در صورت امساک تا آخر روز، روزه هر دو مجزی است.
- ۳۶- انجام کدام یک از اعمال در حج با پرداخت یک فدیة جبران می شود؟
- (۱) تطیب متناوب در احرام (۲) پوشیدن لباس چند بار متوالی
 (۳) حلق و تطیب به دلیل عذر شرعی (۴) لباس پوشیدن و تطیب به دلیل عذر شرعی

- ۳۷- کدام گزینه دربارهٔ صحت حوالهٔ ثمن در زمان خیار و حوالهٔ آن قبل از قبض مبیع صحیح است؟
- ۱) در هر دو حالت، حواله صحیح است.
 - ۲) در هر دو حالت، حواله باطل است.
 - ۳) در زمان خیار، باطل و قبل از قبض مبیع، صحیح است.
 - ۴) در زمان خیار، صحیح و قبل از قبض مبیع، باطل است.
- ۳۸- شخصی مالی را که در تصرف غاصب بوده خریده است، بایع توانایی رفع تصرف غاصب را ندارد. آیا مشتری می‌تواند معامله را فسخ کند؟
- ۱) اگر مشتری حین العقد قدرت بر رفع تصرف غاصب داشته، مطلقاً حق فسخ ندارد.
 - ۲) می‌تواند فسخ کند خواه عالم به غصب بوده باشد و خواه جاهل به آن.
 - ۳) حق فسخ ندارد خواه عالم به غصب بوده باشد و خواه جاهل به آن.
 - ۴) اگر حین العقد جاهل به غصب بوده باشد حق فسخ دارد.
- ۳۹- در عقد سلم چنانچه مسلم‌الیه، مسلم‌فیه را قبل از حلول أجل آمادهٔ تسلیم کند آیا می‌توان مسلم را اجبار به قبول کرد؟
- ۱) مطلقاً نمی‌توان اجبار به قبول کرد.
 - ۲) اگر مسلم‌فیه در معرض تضییع باشد می‌توان اجبار به قبول کرد.
 - ۳) اگر امتناع از قبول، معلل به اغراض صحیحه باشد نمی‌توان اجبار کرد.
 - ۴) اگر مسلم‌الیه غرض صحیحی در تعجیل داشته باشد مسلم در هر حال اجبار به قبول می‌شود.
- ۴۰- مستأجر، عین مستأجره را به اعاره می‌دهد و این عین، بدون تعدی و تفریط مستعیر، تلف می‌شود، در چنین صورتی کدام گزینه صحیح است؟
- ۱) مستأجر، ضامن است زیرا به اعاره دادن عین مستأجره، صحیح نیست.
 - ۲) مستعیر، ضامن نیست زیرا نایب مستأجر است و ید مستأجر، امانی است.
 - ۳) مستعیر، ضامن است زیرا اصولاً ید مستعیر ضمانی است چون عقد برای منفعت او است.
 - ۴) مستأجر و مستعیر، متضامناً مسئول هستند و مالک به هر کدام که بخواهد می‌تواند رجوع کند.
- ۴۱- «پس از عقد حواله معلوم می‌شود که محال علیه در حین عقد، مفلس بوده است.» در این صورت کدام گزینه صحیح است؟
- ۱) محتال، مطلقاً حق رجوع به محیل ندارد چون خود به حواله راضی شده است.
 - ۲) اگر حواله را بیع بدانیم محتال حق رجوع به محیل دارد و گرنه حق رجوع ندارد.
 - ۳) محتال در هر حال حق رجوع به محیل دارد چون حواله منضمن غرر و ضرر بوده است.
 - ۴) اگر حواله را استیفای حق بدانیم محتال حق رجوع به محیل دارد و گرنه حق رجوع ندارد.
- ۴۲- در کدام مورد «عقد مساقات» نادرست است؟
- ۱) سهم عامل بیش از مالک، تعیین شود، چون در مساقات، سهم مالک نباید از سهم عامل کمتر باشد.
 - ۲) شرط شود که عامل به تنهایی به عمل اشتغال ورزد، زیرا ممکن است نیازمند کمک باشد.
 - ۳) مدت عقد، به رسیدن محصول، مقید شود، زیرا زمان رسیدن محصول، مجهول است.
 - ۴) اگر مدت مساقات دو سال باشد و سهم عامل در سال اول و سال دوم، متفاوت باشد.
- ۴۳- عدم صحت توالی دو ضمان بر مبیع واحد در زمان واحد، ناشی از کدام شرایط بیع است؟
- ۱) لزوم ثبوت ملک بر مبیع
 - ۲) لزوم قبض مبیع قبل از بیع مجدد
 - ۳) لزوم قدرت بر تسلیم مبیع در زمان بیع
 - ۴) لزوم اجازهٔ مالک قبل از تصرف در مبیع

- ۴۴- «هرگاه مشتری سهم خود را که در آن حق شفعه جریان دارد اجاره دهد یا وقف کند» حکم تصرف وی و حق شفعه شفیع چیست؟
- ۱) اجاره و وقف صحیح است و با خروج شیء از ملکیت مشتری، حق شفیع ساقط می‌شود.
 - ۲) وقف، باطل و اجاره، صحیح است و شفیع حق نقض دارد.
 - ۳) اجاره، باطل و وقف، صحیح است ولی شفیع حق نقض دارد.
 - ۴) اجاره و وقف صحیح است ولی شفیع حق نقض آن‌ها را دارد.
- ۴۵- مطابق رأی راجح مذهب شافعی، کدام گزینه درباره «ابراء» و «ابراء مجهول» صحیح است؟
- ۱) ابراء، تملیک است و تملیک مجهول باطل است.
 - ۲) ابراء، اسقاط است و اسقاط مجهول باطل است.
 - ۳) ابراء، تملیک است و تملیک مجهول صحیح است.
 - ۴) ابراء، اسقاط است و اسقاط مجهول صحیح است.
- ۴۶- کدام گزینه از جمله شروط «التقاط لقیط» به‌شمار نمی‌رود؟
- ۱) رشد، چون امکان تقویت او با نصب ناظر توسط حاکم وجود دارد.
 - ۲) غنی، چون در صورت فقر لقیط، تأمین نفقه او بر عهده بیت‌المال است.
 - ۳) حریت، زیرا التقاط لقیط، تصرف مالی نیست که برده از آن محروم گردد.
 - ۴) عدالت، زیرا التقاط لقیط از جمله ولایات نیست که فرد فاسق از آن محروم گردد.
- ۴۷- در صورت انقراض موقوف علیهم، کدام گزینه صحیح است؟
- ۱) وقف باطل نمی‌شود و منافع آن به فرزندان موقوف علیهم داده می‌شود.
 - ۲) وقف باطل می‌شود و عین موقوفه براساس قرابت رحم به ورثه واقف می‌شود.
 - ۳) وقف باطل نمی‌شود و منافع آن به اعتبار قرابت رحم به ورثه واقف داده می‌شود.
 - ۴) وقف باطل می‌شود و عین موقوفه به اعتبار حساب مواریث به ورثه واقف داده می‌شود.
- ۴۸- «شخصی مدعی مالکیت قطعه زمینی است که در تصرف دیگری است. مدعی علیه به مالکیت وی اقرار می‌کند و نهایتاً در برابر منافع دو سائله باغ مدعی علیه، مصالحه می‌کنند.» حکم چنین مصالحه‌ای چیست؟
- ۱) باطل است چون صلح مع‌الاقرار است.
 - ۲) صحیح است و احکام اجاره در آن جاری می‌شود.
 - ۳) صحیح است و احکام صلح در آن جاری می‌شود.
 - ۴) اگر ارزش منافع باغ، معادل قیمت زمین مورد ادعای مدعی باشد صحیح و الا باطل است.
- ۴۹- «شخصی منافع خودرو خود را بدون تعیین مدت، برای دیگری وصیت کرده است.» کدام گزینه درباره چنین وصیتی درست است؟
- ۱) صحیح است و بر حداقل مدتی که امکان انتفاع از منافع وجود دارد حمل می‌شود.
 - ۲) باطل است زیرا مورد وصیت، باید عین باشد نه منفعت.
 - ۳) باطل است به دلیل مجهول بودن مدت.
 - ۴) صحیح است و اطلاق، مقتضی تأیید.
- ۵۰- کدام گزینه درباره تزویج زنی که فاقد ولی شرعی است و دسترسی به حاکم ندارد، صحیح است؟
- ۱) زن، فردی واجد اوصاف ولایت انتخاب می‌کند و آن شخص او را تزویج می‌کند.
 - ۲) زن به شخص عالم عادل رجوع و او از باب تحکیم تزویج می‌کند.
 - ۳) تزویج وی تا دسترسی به حاکم به تعویق می‌افتد.
 - ۴) زن، اضطراراً و استحساناً خود را تزویج می‌کند.

- ۵۱- «مردی با زنی ازدواج کرده و مهر او را سهم خویش از مال مشاعی قرار داده که در آن حق شفعه جریان دارد.» در این صورت کدام گزینه صحیح است؟
- (۱) شریک می‌تواند سهم او را در مقابل مهرالمثل، تملک کند.
 - (۲) اگر زوجه مدخول بها واقع شود حق شفعه ثابت است و گرنه خیر.
 - (۳) حق شفعه در مقابل قیمت سهم فرد و با تقویم حاکم ثابت می‌شود.
 - (۴) حق شفعه ثابت نیست زیرا سهم فرد از طریق بیع، از ملکیت شریک خارج نشده است.
- ۵۲- پس از وقوع طلاق خلعی، میان زوجین در میزان مال الخلع، اختلاف به وجود می‌آید و هیچ یک دلیلی بر اثبات مدعای خویش ندارند. در این صورت کدام گزینه صحیح است؟
- (۱) زوجه ملزم به پرداخت مهرالمثل به زوج است.
 - (۲) با توافق زوجین میزان جدیدی تعیین می‌گردد.
 - (۳) میانگین ادعای زوج و زوجه مبنای حکم فرار می‌گیرد.
 - (۴) به دلیل قاعده «الأخذ بأقل ما قیل» کمترین میزان مورد ادعا، ملاک عمل است.
- ۵۳- «مهرالمتعه» به کدام یک از زنان تعلق می‌گیرد؟
- (۱) زنی که نکاح وی به واسطه عیب فسخ شده باشد.
 - (۲) زوجه مرتده که نکاح وی منفسخ شده باشد.
 - (۳) مطلقه مدخول بها پس از تعیین مهر
 - (۴) زوجه که همسر وی فوت کرده باشد.
- ۵۴- «زوجه به زوج می‌گوید: در مقابل آنچه در تصرف من است طلاقم بده. زوج بدون آن که بداند چه چیزی در تصرف اوست قبول می‌کند و او را طلاق می‌دهد.» در این صورت کدام طلاق واقع می‌شود؟
- (۱) رجعی بدون عوض
 - (۲) بائن در مقابل مهرالمثل
 - (۳) بائن در مقابل آنچه در تصرف زوجه است.
 - (۴) رجعی در مقابل اقل آنچه که مال نامیده شود.
- ۵۵- کدام یک از موارد، شرط حضانت به شمار نمی‌رود؟
- (۱) حریت حاضن
 - (۲) اقامت حاضن
 - (۳) نبودن در قید نکاح اگر حاضن زن باشد.
 - (۴) توانایی مالی حاضن
- ۵۶- در کدام مسئله سهم الارث «ام» بیشتر است؟
- (۱) ماتت عن ام و جد و ابن ابن
 - (۲) ماتت عن زوج و ام و اخت شقیقه
 - (۳) مات عن اربع زوجات و اخ لأم و جد و أم
 - (۴) مات عن جدتین و اخت لأم و ثلاث زوجات و ام
- ۵۷- «حسن با علم و عمد غذای مسمومی به احمد تعارف می‌کند. احمد، غذا را تناول می‌کند و در اثر مسمومیت می‌میرد.» کدام گزینه درباره این مسئله صحیح است؟
- (۱) اگر احمد صغیر یا مجنون باشد قتل، عمد و حسن، قابل قصاص است.
 - (۲) اگر احمد مکلف بوده و جاهل به مسمومیت غذا باشد قتل، عمد و حسن، قابل قصاص است.
 - (۳) اگر احمد، عالم به مسمومیت غذا باشد قتل، غیر عمد و حسن، محکوم به پرداخت تمام دیه می‌شود.
 - (۴) اگر احمد، عالم به مسمومیت غذا باشد قتل، غیر عمد و حسن، محکوم به پرداخت نصف دیه می‌شود.
- ۵۸- «فردی فرزندش را به شناگری می‌سپارد تا به او شنا بیاموزد اما فرزندش غرق می‌شود.» رأی صحیح مذهب شافعی در این باره کدام است؟
- (۱) بر عاقله شناگر است که دیه قتل خطا را بپردازند.
 - (۲) چیزی بر شناگر نیست مگر تعدی‌اش ثابت شود.
 - (۳) عاقله شناگر باید دیه شبه عمد بپردازند.
 - (۴) شناگر باید دیه شبه عمد بپردازد.

- ۵۹- کدام اقرار برای مُقِرِّ، الزام آور نیست؟
 (۱) إِذَا قَدِمَ زَيْدٌ فَلَيْفَانَ عَلَيَّ مِائَةً
 (۲) لَهُ عَلَيَّ عَشْرَةٌ لَا تَلْزِمُنِي
 (۳) لَهُ عَلَيَّ مِائَةٌ مِنْ ثَمَنِ كَلْبٍ
 (۴) لَهُ عَلَيَّ عَشْرَةٌ إِلَّا عَشْرَةٌ
- ۶۰- کدام گزینه در مورد «قسم مدعی علیه توسط قاضی» صحیح است؟
 (۱) در صورت عدم وجود ادله دیگر و رضایت طرفین، قاضی حق قسم دادن مدعی علیه را دارد.
 (۲) قاضی به رضایت طرفین دعوا، حق قسم دادن مدعی علیه را دارد.
 (۳) قاضی حق قسم دادن مدعی علیه جز به تقاضای مدعی را ندارد.
 (۴) قاضی در هر صورت حق قسم دادن مدعی علیه را دارد.
- ۶۱- شرعی بودن حُسن و قبح از نظر اشاعره به کدام معنا است؟
 (۱) ترتب ذم و عقاب، مآلاً
 (۲) ترتب ذم و عقاب، حالاً و مآلاً
 (۳) ترتب ذم، حالاً و ترتب عقاب، مآلاً
 (۴) ترتب ذم، حالاً و مآلاً و ترتب عقاب، مآلاً
- ۶۲- کدام گزینه درباره «وجوب اتمام مندوب» صحیح است؟
 (۱) از نظر شافعیه مطلقاً واجب نیست.
 (۲) از نظر حنفیه مطلقاً واجب نیست.
 (۳) از نظر شافعیه در نماز، واجب و در روزه، واجب نیست.
 (۴) از نظر حنفیه در نماز، واجب و در روزه، واجب نیست.
- ۶۳- از نظر شافعیه کدام گزینه درباره «اجزاء» صحیح است؟
 (۱) مختص عبادات واجب است.
 (۲) به مطلق عبادات و عقود اختصاص دارد.
 (۳) به مطلق عبادات و عقود تبرعی اختصاص دارد.
 (۴) مختص عبادات است اعم از واجب و مندوب.
- ۶۴- کدام گزینه در تعریف «علم» صحیح است؟
 (۱) ادراک بلاحکم که جازم و غیرقابل تغییر باشد.
 (۲) ادراک مع الحکم که جازم و غیرقابل تغییر باشد.
 (۳) ادراک بلاحکم که جازم و قابل تغییر باشد.
 (۴) ادراک مع الحکم که جازم و قابل تغییر باشد.
- ۶۵- کدام گزینه در مورد «تکلیف غافل» صحیح است؟
 (۱) اصح: ممتنع است زیرا علم به مکلفیه ندارد.
 (۲) جایز است، زیرا غافل دارای اهلیت خطاب است.
 (۳) اجماع: ممتنع است زیرا امثال برای او ممکن نیست.
 (۴) جایز است، زیرا امکان قضای تکالیف شرعی برای غافل وجود دارد.
- ۶۶- کدام گزینه رأی اصح اصولیان شافعیه را در مورد «فرض کفایی» بیان می کند؟
 (۱) از حیث شدت نیاز، هیچ فرقی با فرض عین ندارد.
 (۲) تنها مشابهتش با فرض عین، در ظاهر تسمیه لفظی آن است.
 (۳) با شروع، متعین نمی شود زیرا قصد، حصول آن فی الجملة است.
 (۴) با شروع، متعین می شود زیرا از حیث وجوب و اتمام، همانند فرض عین است.
- ۶۷- کدام گزینه در مورد قرائات شاذ (ماورای قرائات دهگانه) صحیح است؟
 (۱) در حکم آیات منسوخ است.
 (۲) جاری مجرای اخبار آحاد است.
 (۳) حمل بر تفسیر قرآء می شود.
 (۴) قرائت به آن ها در نماز مکروه است.

- ۶۸- در خصوص مفهوم «موافقه» کدام یک از موارد صحیح است؟
 (۱) حجیت و مبنای دلالت آن محل وفاق است.
 (۲) حجیت و مبنای دلالت آن محل خلاف است.
 (۳) حجیت آن محل خلاف و مبنای دلالت آن مورد اتفاق است.
 (۴) حجیت آن مورد اتفاق و مبنای دلالت آن محل خلاف است.
- ۶۹- مبنای حجیت مفاهیم مخالف، کدام یک از مبنای است؟
 (۱) مبنای لغوی به دلیل استدلال علمای لغت به آن
 (۲) مبنای قیاسی به دلیل قیاس بر عمل مخاطبان اولیه پیام
 (۳) مبنای عقلی به دلیل عدم صدور کلام عبث از شارع حکیم
 (۴) مبنای شرعی به دلیل استقرار حجیت آن در شرع با استقراء
- ۷۰- آیا عام، صورت نادره و صورت غیرمقصوده را شامل می شود؟
 (۱) صورت نادره را شامل می شود ولی صورت غیرمقصوده را شامل نمی شود.
 (۲) صورت غیرمقصوده را شامل می شود ولی صورت نادره را شامل نمی شود.
 (۳) هر دو را شامل می شود.
 (۴) هیچ کدام را شامل نمی شود.
- ۷۱- مطابق قول اصح شافعیه، نکره در سیاق نفی، چگونه بر عموم دلالت می کند؟
 (۱) عرفاً (۲) معناً (۳) وضعاً (۴) عقلاً
- ۷۲- اقتضای آیه شریفه «... خذ من أموالهم صدقة...» کدام است؟
 (۱) وجوب اخذ از همه اموال به دلیل اقتضای عموم
 (۲) امثال امر با اخذ دو نوع مال، چون حداقل جمع، دو است.
 (۳) امثال امر با اخذ سه نوع مال، چون حداقل جمع، سه است.
 (۴) امثال امر با اخذ از یک نوع مال به دلیل نکره بودن لفظ صدقة
- ۷۳- کدام گزینه در خصوص «امر» صحیح است؟
 (۱) امر نفسی به انجام کار معین، مستلزم نهی از ضد آن است.
 (۲) اعتقاد به وجوب امر در تحقق مطلوب قبل از بحث از معارض، واجب نیست.
 (۳) امر به مخاطب برای درخواست کاری از دیگران، شامل مخاطب نیز می گردد.
 (۴) امر موقت به شیء، اگر در زمان مشخص شده امتثال نشود، مستلزم قضاء نیست.
- ۷۴- امر به یکی از امور مبهم، مستلزم کدام مورد است؟
 (۱) وجوب عمل به امر اعلی به خاطر احتیاط (۲) جواز عمل به یکی از امور به اختیار مکلف
 (۳) وجوب عمل به یکی از امور به صورت مطلق (۴) جواز عمل به امر آدنی با استناد به قاعده تیسیر
- ۷۵- کدام گزینه در خصوص «اقتضای صیغه نهی» صحیح است؟
 (۱) نهی تنزیهی اگر متوجه لازم منهی عنه شود مقتضی فساد است.
 (۲) نهی تنزیهی اگر متوجه جزء منهی عنه شود مقتضی فساد نیست.
 (۳) اگر معلوم نشود که نهی متوجه چیست مقتضی فساد منهی عنه نیست.
 (۴) صرفاً در صورتی نهی مقتضی فساد منهی عنه است که نهی متوجه ذات شیء باشد.

- ۷۶- کدام گزینه درباره «نهی از امور متعدد» صحیح است؟
(۱) جمعاً و فرقاً و جمعاً صحیح است.
(۲) جمعاً و فرقاً و جمعاً و فرقاً صحیح نیست.
(۳) جمعاً و جمعاً صحیح است و فرقاً صحیح نیست.
(۴) جمعاً و فرقاً صحیح است و جمعاً صحیح نیست.
- ۷۷- از نظر اکثر علما، کدام گزینه درباره «خبر واحد» صحیح است؟
(۱) اگر از نوع مستفیض و مقرون به قرینه باشد افاده علم می کند.
(۲) اگر از نوع مستفیض باشد مطلقاً افاده علم می کند.
(۳) اگر مقرون به قرینه باشد افاده علم می کند.
(۴) مطلقاً افاده علم نمی کند.
- ۷۸- کدام مورد درباره صفات راویان خبر متواتر صحیح است؟
(۱) هم اسلام و هم عدالت و هم اختلاف انساب راویان، شرط است.
(۲) اسلام، عدالت و اختلاف انساب راویان، هیچ کدام شرط نیست.
(۳) اسلام راویان، شرط است ولی عدالت و اختلاف انسابشان شرط نیست.
(۴) اسلام و عدالت راویان شرط است ولی اختلاف انسابشان شرط نیست.
- ۷۹- اتفاق نظر مجتهدان امت اسلامی در عصری از عصور بر حکم شرعی یک مسئله، اجماع گفته می شود. اگر در دوره ای فقط یک مجتهد وجود داشته باشد کدام رأی صحیح است؟ قول آن مجتهد
(۱) هم اجماع است و هم حجت، زیرا قول او به منزله قول تمامی مجتهدان است.
(۲) اجماع نیست ولی حجت است، زیرا تنها رأی ابراز شده در آن مسئله است.
(۳) نه اجماع است و نه حجت، زیرا اتفاق نظر با وجود جمع، معنی می یابد.
(۴) مطابق تعریف، اجماع است اما در واقع اجماع نبوده و حجت هم نیست.
- ۸۰- کدام گزینه در تعریف «تحقیق المناط» صحیح است؟
(۱) مقارنة الحكم للوصف المناسب له
(۲) اثبات العلة فی آحاد صورها
(۳) تعیین العلة بإبداء المناسبة بينها و بین الحكم
(۴) حذف الوصف الظاهر و اناطة الحكم بما هو اعم منه
- ۸۱- در مبحث قیاس، یکی از قواعد علت، «مطالبة» است، منظور از «مطالبة» چیست؟
(۱) منع علیه الوصف
(۲) القول بما اقتضاه الدلیل
(۳) وصف اشتملت علیه العلة
(۴) ثبوت الحكم لثبوت العلة أبداً
- ۸۲- کدام واژگان، عبارت زیر را به درستی کامل می کند؟
«..... ان اعتبر عينه في عين الحكم بنص او اجماع»
(۱) الملائم - فالمؤثر
(۲) المناسب - فالملائم
(۳) الملائم - فالمناسب
(۴) المناسب - فالمؤثر
- ۸۳- اقتران وصف ملفوظ با حکم، به نحوی که اگر جز آن وصف یا شبیه آن، علت حکم به شمار نیاید و اناطه حکم به غیر آن مَخِلٌ به بلاغت شارع باشد؛ بیانگر کدام یک از مسالک العله است؟
(۱) شبه (۲) ایما (۳) دوران (۴) مناسبت
- ۸۴- از نظر شافعیه کدام گزاره درباره «استحسان» صحیح است؟
(۱) به معنای عدول از قیاس به استناد حدیث ضعیف، صحیح است.
(۲) به معنای عدول از دلیل به استناد عرف، صحیح است.
(۳) به معنای عدول از قیاس به قیاس قوی تر، صحیح است.
(۴) مطلقاً مردود است.

- ۸۵- عبارت «ثبوت امر فی الثانی لثبوته فی الاول لفقده ما یصلح للتغییر» تعریف کدام گزینه است؟
(۱) قیاس جلی (۲) استصحاب (۳) قیاس خفی (۴) قیاس مساوات
- ۸۶- کدام یک از موارد در باب «اجتهاد» نادرست است؟
(۱) بطلان نکاح سابق به دلیل تغییر اجتهاد در صحت شروط نکاح
(۲) عدم ضمان مجتهد در صورت اطلاق اموال با اجتهاد وی و تغییر فتوا
(۳) لزوم نقض اجتهاد سابق با اجتهاد لاحق در صورت مخالفت با قیاس جلی
(۴) عدم وجوب اطلاع به مستفتی در صورت تغییر اجتهاد به دلیل امکان تغییر مجدد اجتهاد
- ۸۷- از نظر جمهور علمای شافعیه کدام گزاره درباره «خلو زمان از مجتهد» صحیح است؟
(۱) نظراً جائز نیست و لذا واقع هم نشده است.
(۲) نظراً صحیح و وقوع آن هم ثابت شده است.
(۳) نظراً جائز است ولی وقوع آن ثابت نشده است.
(۴) نظراً جائز است ولی وقوع آن در آخر زمان خواهد بود.
- ۸۸- کدام گزینه در مورد تجدیدنظر مجتهد و استفتای مقلد صحیح است؟
(۱) تکرار واقعه برای مجتهد و تکرار سؤال برای مقلد، تجدیدنظر و استفتا را برای آنان واجب نمی‌گرداند.
(۲) تکرار واقعه برای مجتهد و تکرار سؤال برای مقلد، تجدیدنظر و استفتا را برای آنان واجب می‌گرداند.
(۳) تکرار واقعه برای مجتهد، تجدیدنظر را برای او واجب نمی‌گرداند ولی تکرار سؤال برای مقلد، استفتا را بر او واجب می‌گرداند.
(۴) تکرار واقعه برای مجتهد، تجدیدنظر را برای او واجب می‌گرداند ولی تکرار سؤال برای مقلد، استفتا را بر او واجب نمی‌گرداند.
- ۸۹- کدام گزینه در مورد «مقلد مذهب» صحیح است؟
(۱) اجازه خروج از مذهب در مسائلی که به آن عمل نکرده است را دارد ولی تتبع رخص برای وی جایز نیست.
(۲) مطلقاً اجازه خروج از مذهب را ندارد ولی می‌تواند از میان اقوال مذهب خویش، به یکی عمل کند.
(۳) اجازه خروج از مذهب در تمام مسائل را دارد ولی اجازه تتبع رخص ندارد.
(۴) اجازه خروج از مذهب و تتبع رخص دارد.
- ۹۰- کدام مورد مطابق رأی اصحاب اصولیان شافعی درباره «تتبع رخص» صحیح است؟
(۱) در مواردی که فرد به آن عمل کرده جایز نیست اما در مواردی که به آن عمل نکرده جایز است.
(۲) برای فرد ملتزم به مذهب معین صحیح است ولی برای غیرملتزم صحیح نیست.
(۳) برای فرد ملتزم به مذهب معین جایز نیست ولی برای غیرملتزم جایز است.
(۴) نه برای فرد ملتزم به مذهب معین جایز است و نه برای فرد غیرملتزم.

پی اچ دی تست؛ نخستین وب سایت تخصصی آزمون دکتری